

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ جنوری ۲۰۱۹

## آغاز شمارش معکوس برای "صالح"

سه شنبه- ۲۵ جدی ۲۰۱۹ - کابل: اگر یادداشت چند روز قبلم به ارتباط ادعای به اصطلاح "سازمان دیده بان حقوق بشر" علیه "اسدالله خالد" به یاد تان مانده باشد در همانجا نگاشته بودم که چنین اتهاماتی می توانند حیثیت شمشیر داموکلس مشهور و یا "سوراخ ایشچی" وطن خود ما را مقابل این و یا آن فرد داشته باشد، به ارتباط "صالح" این قضیه یک اندازه نسبت به "خالد" فرق می نماید، زیرا:

۱- این را همه می دانیم که اساسی ترین عامل برای پیدایش افرادی از قماش "صالح" ها در واقع بستر پرورش آنها می باشد. بستر پرورشی که برای چنین افرادی شرایطی را مساعد ساخته و می سازد که توانایی های استخباراتی و خیانت به مردم شان را رشد و انکشاف داده، در طی زمان کوتاهی پله های ترقی را یکی به دنبال دیگری پشت سر بگذارند. این قماش افراد با آن که توانایی ها و استعداد های فردی خودشان هیچ گاهی نباید نادیده گرفته شود، مگر در همه حالت موجودیت همان بستر و شرایط مساعد محیط اجتماعی عامل عمده رسیدن به مقامات بالائی در حاکمیت های ضد مردمی و دولت های دست نشانده می باشد.

۲- تطبیق اصل فوق در مورد "صالح" به ما می آموزاند که با وجود ظرفیت های خیانتکارانه و وطنفروشانه فردی وی، هرگاه بستر پرورشی در وجود جبهه پنجشیر و شورای نظار و جمعیت اسلامی و خیانت ها و جنایت های آن جبهه و تنظیم ها جهت رسیدن به قدرت نمی بود، مطمئناً "صالح" نیز امکان تبارز استعدادهای وطنفروشانه و استخباراتی اش را نمی یافت. از این اصل می توان نتیجه گرفت که "صالح" گذشته از توانایی های فردی، مسیر رسیدن به مقامات عالیة دولتی را به اساس شرایط مساعدی طی نموده که جبهه پنجشیر مربوط جمعیت اسلامی و تکامل آن به شورای نظار برایش مساعد نموده است. یا به عبارت دیگر مبداء قدرت و شهرت "صالح" تعلق وی به شورای نظار و حمایت آن شورا از وی می باشد.

۳- "صالح" که با سواری بردوش جبهه پنجشیر و شورای نظار تا بدین جا رسیده است، این درک را دارد که بداند: جهت حفظ آنچه دارد و برای رسیدن به پله های بالاتر از این، می باید در خدمت مرجع توزیع قدرت و صلاحیت در افغانستان یعنی امپریالیسم اشغالگر امریکا قرار گرفته، تمام دار و ندارش را تقدیم این مرجع توزیع قدرت نماید.

۴- حین انجام این مأمول مشکلی که برای "صالح" به وجود می آید، تضاد است که بین منافع مبدای قدرتش یعنی شورای نظار و جبهه پنجشیر و امپریالیسم امریکا وجود دارد. شورای نظار که تا گلو در گنداب استخبارات روس و ایران غرق

است و بیشتر از تمام ارگانهای امنیتی در وزارت داخله جای گرفته از همان طریق باعث بیشتر ناآرامی ها و بدنامی های دولت دست نشانده و بادارانش گردیده است، از دید امپریالیسم امریکا و ایادی آن می باید تصفیه و پاکسازی شود.

۵- از همین رو "غنی احمدزی" بسیار آگاهانه و مدبرانه "صالح" را زیر نام وزیر داخله، به جنگ شورای نظار و باند های مافیائی شکل گرفته زیر چتر حمایتی آن فرستاده است. تلاشهایی که "صالح" جهت به دست آوردن دل امپریالیسم امریکا در وزارت داخله انجام داده و می دهد، چیزی نبوده و نیست که "وطنداران" و "بچه های اموک"ش از وی انتظار داشتند. در نتیجه خلاف روز های اول انتصابش به وزارت داخله، که شورای نظار و پنجشیری ها در کل شادی مرگک شده بودند، اینک سرنازگاری با وی را گذاشته، به مثابه نخستین اخطار و آغاز شمارش معکوس علیه وی، با موتر انفجاری و رساندن آن تا پشت دروازه های "گرین ویلیج" شهر کابل همکاری نموده با راه دادن موتر پر از مواد منفجره و کشتن و زخمی ساختن بیش از صد تن به "صالح" پیام فرستادند که حد خود را بشناسد.

یعنی اگر می خواهد مدت زمانی بر کرسی باد آورده وزارت داخله باقی ماند، چشم خود را بر آنچه باند منوط به شورای نظار در کابل و سایر ولایات انجام می دهد، ببندد و رنه با اجازه دادن به ۳-۴ انتحاری دیگر، "غنی احمدزی" را مقابلش تحریک نموده، وی را وادار خواهند ساخت تا "صالح" را به مانند یک موش مرده، ازدمش گرفته از کابینه بیرون پرتاب نماید.

هموطنان گرامی!

تا جایی که دیده می شود برای "صالح" شانس زیادی باقی نمانده است، یا باید رو به مبدای قدرتش نماید و از توزیع قدرت دل بکند و یا این که رو به توزیع قدرت نموده، به مبدای قدرتش پشت کند. در هر صورت نمی تواند از سقوطش جلوگیری نماید.

**دیده شود چه می شود!!**